

شب یلدا یا **شب چله** آخرین شب آذرماه، شب پیش از نخستین روز زمستان و درازترین شب سال است. ایرانیان و بسیاری از دیگر اقوام آن را مبارک می‌دارند و این شب را جشن می‌گیرند.

این شب در **نیمکره شمالی** با **انقلاب زمستانی** مصادف است و به همین دلیل از آن شب به بعد طول روز بیشتر و طول شب کوتاه‌تر می‌شود.

ایرانیان باستان با این باور که فردای شب یلدا با دمیدن خورشید، روزها بلندتر می‌شوند و تابش نور ایزدی افزونی می‌یابد، آخر پاییز و اول زمستان را شب زایش **مهر** یا زایش خورشید می‌خواندند و برای آن جشن بزرگی بر پا می‌کردند.

یلدا و جشن‌هایی که در این شب برگزار می‌شود، یک سنت باستانی است و پیروان میتراییسم آن را از هزاران سال پیش در ایران برگزار می‌کرده‌اند. در این باور یلدا روز تولد خورشید و بعدها تولد میترا یا مهر است. بسیاری هستند **آریایی** است. کاسپ‌ها از اولین اقوام **کاسپیان** بر این باورند که ریشه پاس‌داشت شب چله میراث قوم امروزی سکنی **گیلان** که وارد ایران شدند. آن‌ها مردمانی با چشم‌های کبودرنگ و موهای بور بودند که ابتدا در گزیدند و پس از چندی به نقاط دیگر ایران مهاجرت کردند. کاسپ‌ها قوم نیرومندی بودند و تمدن توانمندی را، آسیاب‌ها و **زیگورات چغازنبیل** پایه‌گذاری کردند. از جمله **تمدن‌های آبی (Hydraulic Civilizations)** که می‌توان از به‌عنوان آثار باقی‌مانده از تمدن کاسپ‌ها نام برد. همچنین پل‌های بسیاری با نام **شوشتر** و **دزفول** قنات‌های در سراسر ایران ساختند و با ساخت چهارطاقی‌هایی توانستند انحراف ۲۳ درجه مدار زمین در گردش به **آناهیتا** دور خورشید را اندازه‌گیری کنند. کاسپ‌ها با استفاده از این ابزار به تقویمی دقیق دست یافتند و دریافتند که پس از آخرین شب پاییز بر طول روزها اندک‌اندک افزوده شده و از طول شب‌های سرد کاسته می‌شود. این جشن در ماه پارسی «دی» (تولد دوباره خورشید) قرار دارد که نام آفریننده در زمان پیش از زرتشتیان بوده‌است که بعدها (که هم‌ریشه با زبانهای کهن آریایی است) **انگلیسی** او به نام آفریننده نور معروف شد. واژه روز (DAY) در زبان نیز از نام این ماه برگرفته شده‌است. نور، روز و روشنایی خورشید، نشانه‌هایی از آفریدگار بود در حالی که شب، تاریکی و سرما نشانه‌هایی از اهریمن. مشاهده تغییرات مداوم شب و روز مردم را به این باور رسانده بود که شب و روز یا روشنایی و تاریکی در یک جنگ همیشگی به سر می‌برند. روزهای بلندتر روزهای پیروزی روشنایی، **اروپا** بود، در حالی که روزهای کوتاه‌تر نشانه‌ای از غلبه تاریکی و اهریمن بر زمین. هنگام توسعه آیین مهر در مراسم شب چله به عنوان روز زایش مهر و نور و راستی با شکوه تمام برگزار می‌شده‌است و پس از استیلای مسیحیت در اروپا، آداب و رسوم آیین مهر که در زندگی مردم و به‌خصوص در میان رومیان نفوذ کرده بود همچنان باقی ماند اما با آمدن دین جدید رنگ نیاخت. تا سال ۳۵۰ میلادی تمام فرقه‌های مختلف مسیحیت متفق‌القول روم را بر آن داشت تا روز تولد **کلیسای روز ششم ژانویه** را روز میلاد مسیح می‌دانستند ولیکن نفوذ آیین مهر را مطابق با تولد مهر یا میترا قرار دهد تا از التقاط این دو مناسبت نفوذ بیشتری بر زندگی مردم **عیسی مسیح** داشته باشد و بزرگ‌ترین جشن آیین مهر را در خود حل کنند. با قدرتمند شدن کلیسای رم و پس از گذشت زمان، شرقی روز ششم **ارتدوکس** و **ارمنی** فرقه‌های دیگر مسیحیت به این سمت و سو گرویدند. لیکن هنوز کلیسای ژانویه را روز میلاد مسیح می‌دانند. آنچه از نظر پژوهشگران مسلم است این است که ۲۱ یا ۲۵ دسامبر با توجه به فصل زراعت و اعتدال هوا و همچنین تاریخ دوران اولیه مسیحیت، روز میلاد عیسی **انجیل** به اشاره‌های **کریسمس** مسیح نیست و نفوذ آیین مهر در رسوم کلیسا نیز غیرقابل‌انکار است. نخستین ماه‌های جشن میراث و هدیه‌ی ایران کهن به جهانیان است که خود تا به امروز در زنده‌نگه‌داشتن آن کوشیده‌است. **ایلانوت** و ایرانیان باستان این شب را شب تولد الهه مهر «میترا» می‌پنداشتند، و به همین دلیل این شب را جشن می‌گرفتند و گرد آتش جمع می‌شدند و شادمانه رقص و پایکوبی می‌کردند. آن‌گاه خوانی الوان می‌گسترده و «میزد» نثار می‌کردند. «میزد» نذری یا ولیمه‌ای بود غیر نوشیدنی، مانند گوشت و نان و شیرینی و حلوا، و در آیین‌های ایران باستان برای هر مراسم جشن و سرور آیینی، خوانی می‌گسترده که بر آن افزون بر آلات و ادوات نیایش، مانند آتشدان، بخوردان، برسم و غیره، برآورده‌ها و فرآورده‌های خوردنی فصل و خوراک‌های گوناگون، از جمله خوراک مقدس و آیینی ویژه‌ای که آن را «میزد» می‌نامیدند، بر سفره جشن می‌نهادند. ایرانیان به انتظار باززاییده‌شدن خورشید می‌نشستند. برخی در **البرزگاه** شب یلدا را تا دمیدن پرتو پگاه در دامنه کوه‌های (نیایشگاه‌های پیروان آیین مهر) به نیایش مشغول می‌شدند تا پیروزی مهر و شکست اهریمن را از **مهرابه‌ها** خداوند طلب کنند و شبنگام دعایی به نام «نی‌ید» را می‌خوانند که دعای شکرانه نعمت بوده‌است. روز پس از شب یلدا (یکم دی ماه) را **خورروز** (روز خورشید) و **دی گان**؛ می‌خواندند و به استراحت می‌پرداختند و تعطیل عمومی بود (خرمدینان، این روز را **خرم‌روز** یا **خره‌روز** می‌نامیدند). در این روز عمدتاً به این لحاظ از کار دست می‌کشیدند که نمی‌خواستند احیاناً مرتکب بدی کردن شوند که میتراییسم ارتکاب هر کار بد کوچک را در روز تولد خورشید گناهی بسیار بزرگ می‌شمرد.

گرفته شده از ویکی پدیا